

The potential of participatory action research to advance research based on Willing beings

Mojtaba Javadi*

Assistant Professor, Department of Governance, Faculty of Law & Political Science,
Shiraz University
mo.javadi@saadi.shirazu.ac.ir

Sayyed Mojtaba Emami

Associate Professor, Department of Public Administration, Imam Sadiq University,
Tehran, Iran.
emami@isu.ac.ir

Abstract

The gap between social science and the construction and delivery of society deals fatal blows to the body of both, namely social sciences and society. The present study has taken a step towards solving it by proposing a new approach to this old problem. Thus, after analyzing the aforementioned problem from an objective perspective, the essence of social science and also the necessity of socialization during its production process have been explained, and based on that, social science has been introduced as the knowledge of practical wisdom. Then, based on this nature, the method of theorizing in social science has been discussed, and in this regard, the approach of participatory scholarship and the method of participatory action research have been explained. In the following, the method of theorizing and scientific work based on the knowledge of practical wisdom have been examined, and the implications and capacities of participatory action research for this type of research have been proposed. Capacities such as the production of human and social innovations, the evolutionary and gradual construction of Willing and social beings, attention to design thinking in Willing and social beings, and the use of medical metaphor in the method of scientific research were clarified, as well as aspects of the compatibility of the participatory scientific research framework with the knowledge of Willing beings. Then, an attempt was made to redefine the participatory action research method as a method in the field of practical wisdom knowledge and present it based on the completion of student theses and dissertations. Finally, while critically reviewing the domestic literature in the field of the aforementioned method, a new identity of research and research in the production of indigenous and beneficial social sciences has been formulated.

Keywords: Knowledge of Willing being, Knowledge of practical wisdom, participatory action research, Theorizing while socializing

ظرفیت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای راهبری پژوهش مبتنی بر هستی‌های ارادی

مجتبی جوادی

استادیار بخش حکمرانی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

سیدمجتبی امامی

دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق(ع)

چکیده

شکاف دانش اجتماعی از ساخت و پرداخت جامعه، ضربات مهلکی بر پیکره هر دو یعنی علوم اجتماعی و جامعه وارد می‌کند. پژوهش حاضر با طرح رویکرد جدیدی به این مسئله قدیمی، گامی در جهت حل آن برداشته است. بدین ترتیب پس از تحلیل مسئله مذکور از چشم‌اندازی عینی، چستی علوم اجتماعی و همچنین چرایی ضرورت جامعه‌پردازی در طی فرآیند تولید آن تبیین شده و مبتنی بر آن، علوم اجتماعی به مثابه دانش حکمت عملی معرفی شده است. سپس مبتنی بر این ماهیت، به چگونگی نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی پرداخته و در این راستا رویکرد دانش‌پژوهی و روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه تشریح شده‌اند. در ادامه چگونگی نظریه‌پردازی و کار علمی مبتنی بر دانش حکمت عملی بررسی شده و دلالت‌ها و ظرفیت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای این سنخ از پژوهش‌ها طرح شده است. ظرفیت‌هایی مثل اقدام به تولید ابداعات انسانی و اجتماعی، ساخت تکاملی و تدریجی هستی‌های ارادی و اجتماعی، توجه به تفکر طراحی در هستی‌های ارادی و اجتماعی و استفاده از استعاره پزشکی در شیوه دانش‌پژوهی احصا شده و همچنین وجوه سازگاری چهارچوب دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه با دانش هستی‌های ارادی روشن شد. سپس کوشش شد روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه به مثابه روشی در حیطه دانش حکمت عملی بازتعریف و با تکیه بر انجام پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی ارائه شود. درنهایت ضمن مرور انتقادی ادبیات داخلی در حوزه روش مذکور، هویت جدید پژوهش و پژوهشگری در تولید علوم اجتماعی بومی و نافع صورت‌بندی شده است.

واژگان کلیدی: دانش هستی‌های ارادی، دانش حکمت عملی، اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه، نظریه‌پردازی همراه جامعه‌پردازی.

بیانیه مسئله

گسست فکر و اندیشه‌ورزی از مقام کنش و اقدام اجتماعی، یکی از مهم‌ترین موانع رشد علوم انسانی و اجتماعی بومی و همچنین عدم بلوغ فکری جامعه است. شکافی که باعث می‌شود علوم انسانی و اجتماعی به‌صورت کاملاً مستقل از پیکره جامعه شکل بگیرد و آنگاه شنیدن آمارهایی از این قبیل که «هفتاد درصد مقاله‌های علمی ما ناظر به نیازهای کشور نیست» (خامنه‌ای ۱۳۹۱)، تعجب‌برانگیز نخواهد بود. در این فضا، علوم انسانی و اجتماعی به یک کالای لوکس تبدیل خواهد شد که کارایی آن صرفاً زینتی بوده و جامعه نیز در سطوح مختلف، صرفاً براساس ایده‌های غیربومی یا موهومات و ... شکل خواهد گرفت. این مسئله در اکثر کشورها از جمله ایران وجود دارد و نظرات صاحب‌نظران این حوزه مبنی بر عدم ارتباط پژوهش‌های علوم انسانی با مسائل جامعه و عدم توجه به پژوهش‌های کاربردی و همچنین شواهد آماری مثل درصد بسیار پایین پژوهش‌های تقاضامحور^۱ و میزان اندک قراردادهای ارتباط دانشگاه و جامعه در عین رشد کمی آثار پژوهشی، وجود این مسئله را تصدیق می‌کنند (دفتر ارتباط با جامعه و صنعت وزارت علوم ۱۴۰۰، ۴۵؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۸).

اما چرا چنین شکافی بین علوم اجتماعی و جامعه شکل گرفته است؟ گاهی اندیشمندان علت را در طرف اندیشه‌ورزی، دانشگاه و تولید پژوهش تحلیل کرده و گاهی در سوی دیگر یعنی طرف جامعه و مصرف پژوهش دانسته‌اند. به‌عنوان مثال رضا داوری اردکانی با طرح ضعف شدید علوم اجتماعی در پرداختن به مسائل داخلی (داوری اردکانی ۱۳۹۹)، آیت‌الله حائری با بیان نظریه استعمار فکری توسط طاغوت و به‌طورکلی تعطیلی فکر (حائری شیرازی ۱۳۹۷) و سیدجواد طباطبایی با ارائه نظریه امتناع و زوال اندیشه

(طباطبایی ۱۳۹۶)، علت را در طرف اول جست‌وجو کرده‌اند و سیدسپهر قاضی‌نوری با بیان فقدان مرجعیت علم و عدم رجوع به علم در ایران (قاضی‌نوری ۱۴۰۰) و به بیانی دیگر حسن دانایی‌فرد با ارائه نظریه ساخت اجتماعی بهره‌برداری از دانش (دانایی‌فرد ۱۳۹۷) و مهدی محسنیان‌راد با طرح مسئله فقدان اخلاق حرفه‌ای مصرف‌پژوهش (محسنیان‌راد ۱۳۹۸ و ۱۳۹۳)، سعی کرده‌اند که عرصه مصرف علم و پژوهش را بررسی کرده و ریشه عدم ارتباط عرصه اندیشه‌ورزی به عرصه اقدام اجتماعی را به طرف تقاضای علم و پژوهش در ایران نسبت دهند.

بنابراین آنچه قدر متیقن است، وجود دائمی معضل شکاف بین حوزه نظری و حوزه عمل اجتماعی در وضعیت کنونی کشور است که باید برای حل آن در دو طرف عرضه و تقاضای علم و پژوهش چاره‌جویی شود. روند اصلاحی جامعه درگرو نسبت سالم میان تئوری و عمل است (پارسانیا ۱۳۸۶، ۱۰). دغدغه پرکردن شکاف نظر و عمل و چاره‌جویی برای این مسئله مخصوصاً اتصال دانش علمی با عرصه اقدام و کنش در کل جهان و جوامع علمی دنیا از گذشته وجود داشته و همچنان یک دغدغه زنده بین پژوهشگران است. پژوهشگران تلاش کرده‌اند که این مسئله را تحلیل کرده و راهکاری عملیاتی برای آن ارائه کنند (Mayntz 1998; Van de Ven & et al. 2006; Chen & et al. 2023).

در این پژوهش با تمرکز بر طرف عرضه پژوهش و تولید دانش مخصوصاً در حوزه علوم اجتماعی به این مسئله پرداخته خواهد شد. البته وجهه همت این پژوهش، محتوای معرفتی پژوهش است و نه عوامل غیر معرفتی و اجتماعی دخیل در آن مثل ساختارهای نهادی و سازمانی جهت‌دهی به پژوهش، چراکه هرچه ساختارهای نهادی و سازمانی برای پرکردن شکاف نظر و عمل بیشتر و پیچیده‌تر بشوند ولی همچنان پژوهشگر با تصویرها و شیوه‌های ناصواب مشغول علم و پژوهشگری باشد، معضل این گسست حل نخواهد شد.

در نگاه اولیه، مسئله شکاف بین نظریه‌پردازی و جامعه‌پردازی را در دو مسیر می‌توان پی‌جویی کرد: مسیر اول کاوش نظری و فلسفی این شکاف و مسیر دوم کاوش کاربردی و عملی در سطح کنش پژوهشگران. گام گذاشتن در مسیر اول (همانند آنچه در برخی آثار پژوهشگرانی مثل داوری اردکانی (۱۳۸۰) دیده می‌شود) الزامات تاریخی و فلسفی فراوانی می‌طلبد تا بتوان با تحلیل آرای مختلف فلاسفه از یونان باستان تا فلاسفه مدرن و پست‌مدرن، رویکردی را برای برون‌رفت از شرایط کنونی اتخاذ کرد. لذا هدف پژوهش حاضر گام برداشتن در مسیر اول نیست، بلکه هدف اصلی تبیین ضرورت توجه توأمان به مقوله نظریه‌پردازی و جامعه‌پردازی و همچنین ارائه‌ی طریقی عملیاتی به پژوهشگران برای تولید علوم اجتماعی بومی و نافع است (شبیه به مباحثی که در کتب روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود). از این جهت صحبت از مبانی بعید و ابعاد نظری و فلسفی در خصوص مسئله مذکور در این مقاله به میان نخواهد آمد.

در پژوهش حاضر، مبتنی بر ظرفیت نگاه‌های اسلامی در پیوند نظر و عمل اجتماعی، کوشش شده است که با تبیین ماهیت این پیوند در قالب ماهیت علوم اجتماعی متعارف (با تمرکز بر مسئله شکاف نظریه و اقدام اجتماعی)، چگونگی پژوهش در این حوزه روشن گردد. بنابراین پس از تبیین ماهوی (چیستی) علوم اجتماعی و طرح آن به مثابه دانش هستی‌های ارادی^۱، با بهره‌جستن از ظرفیت مباحث روش‌شناسی موجود در رویکردهای استفاده‌ی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه، رویکرد نوینی برای تولید علوم اجتماعی بومی ذیل ظرفیت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه مبتنی بر نگاه‌های اسلامی (چگونگی) ارائه شده است.

۱. در این پژوهش به پیروی از موسوی و حسینی (۱۴۰۰) منظور از هستی‌های ارادی از جمله واقعیاتی هستند که انسان با اراده آزاد خویش آن‌ها را در دایره موجودات ایجاد می‌کند، می‌سازد، درون آن زندگی می‌کند، با آن‌ها می‌جنگد، می‌ستیزد، از آن‌ها لذت می‌برد و رنج می‌کشد، با آن‌ها می‌گیرد و می‌خندد، از آن‌ها ضربه می‌خورد و به سبب آن‌ها به دیگران محبت می‌ورزد و آسیب می‌زند و بر این اساس عشق، صداقت، دشمنی، جنگ، نظم، همبستگی، استقلال، بی‌نظمی، سردرگمی، سعادت، سیاه‌بختی، نابرابری و عدالت، آزادی، اسارت و... درون آن معنا پیدا می‌کند.

۱. چیستی و فرآیند تولید علوم اجتماعی

تصورات مختلفی در خصوص مفهوم «علوم اجتماعی» در ایران وجود دارد که خیلی از اوقات ناشی از خلط‌های مفهومی است (منصوری ۱۳۹۱). مبتنی بر شواهدی که در سطور فوق ذکر شدند، در اکثر این تصورات شکل گرفته، علوم اجتماعی و کاربرد آن دو مقوله جدا از همدیگر تلقی می‌شود. گویا ابتدا علوم اجتماعی باید تولید شود و سپس راهکارهایی برای کاربردی‌سازی آن ایجاد شود درحالی‌که به قول متخصصان این حوزه «اگر علوم اجتماعی وجود داشته باشد، کاربردی خواهد بود» (قانع‌راد ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین و فوری‌ترین مسیرها برای حل معضل گسست دانش علمی اجتماعی از عرصه عمل و کاربرد آن، اصلاح تصورات غلط از علوم اجتماعی و ترویج روش‌شناسی‌های مبتنی بر آن است. با اصلاح این تصور، کارویژه‌های پژوهشگران علوم اجتماعی، روش‌شناسی‌های پژوهش اجتماعی، ساختارهای راهبری پژوهش اجتماعی و همه مناسبات مربوط به علوم اجتماعی دستخوش اصلاح خواهند شد.

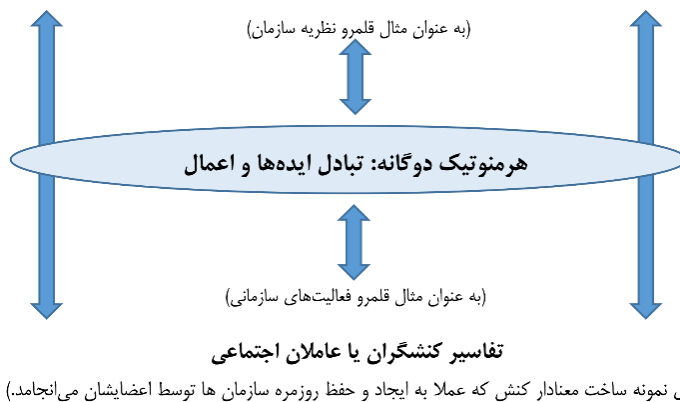
۱-۱. گذری بر رفته‌وپرگشت نظر و عمل در علوم اجتماعی

با سیر تطور پارادایم‌های پژوهش اجتماعی اثبات‌گراها و تفسیری‌ها و رسیدن به انتقادی‌ها و مابعد‌آن‌ها، «اقدام» به‌عنوان امری معنادار، مهم و درهم‌تنیده با پژوهش تلقی می‌شود و از نظر برخی نظریه‌پردازان این تغییر به سمت «اقدام» نیز در پاسخ به شایع شدن یافته‌های غیرسودمند، تمایل به تولید توصیه‌نامه‌های دارای برنامه عمل و همچنین نوعی تعهد سیاسی و اخلاقی است (گوبا و لینکلن ۲۰۰۵، ۱۹۶-۲۰۱).

	پوزییتیویسم م	پساپوز یتیویسم	نظریه انتقادی	ساختگرایی	مشارکتی
اقدام	بر عهده پژوهشگر نیست، به عنوان جانب‌داری یا ذهن‌گرایی دیده می‌شود و بنابراین تهدیدی برای اعتبار و عینی‌گرایی پژوهش است.		به‌طور خاص مبتنی بر شکلی از توانمندسازی و رهایی‌بخشی پیش‌بینی‌شده و مورد انتظار برای دگرگونی اجتماعی، مخصوصاً عدالت و انصاف بیشتر هدف نهایی است.		درهم‌تنیده با اعتبار پژوهش است. پژوهش بدون اقدام در بخش از مشارکت‌کنندگان کامل نیست؛ اگر مشارکت‌کنندگان سیستم‌های سیاسی را نشانند، فرمول‌بندی ساخت‌گرا متعهد به آموزش در اقدام سیاسی است.
موضع پژوهشگر	«دانشمندان بی‌غرض» به‌عنوان گزارش‌دهنده برای تصمیم‌گیران، خط‌مشی‌گذاران و عوامل تغییر (به‌طوری‌که دانشمند فقط ارائه گزارش می‌دهد).		«روشنفکر اصلاح‌طلب» به‌عنوان شخصی جانب‌دار و طرفدار عمل و اقدام	«مشارکت‌کننده مهربان و دلسوز» به‌عنوان تسهیلگر بازسازی	موضع ابتدایی پژوهشگر از طریق اقدام خود انعکاسی آگاهانه بازنمود می‌یابد؛ موضع ثانویه در روشن ساختن نظریه، روایت، جنبش، سرود و سایر اشکال بازنمود کردن

کشف می‌شوند، پژوهشگر را به طرح پرسش‌ها و جست‌وجوی پاسخ‌هایی ترغیب می‌کنند. در این فرآیند پژوهشگر باید به‌طور متوالی در دنیای اجتماعی موردنظرش غرق شود و سپس به‌قصد تفکر و تحلیل از آن بیرون آید (بلیکی ۱۴۰۰، ۱۵۲-۱۵۹).

هرمنوتیک مضاعف آرمانی است که در دل آن رابطه بین نظریه علم اجتماعی و فعالیت‌های روزمره نهادهای انسانی نهفته است. نظریه اجتماعی به رفتار انسان ادراک‌کننده پیوند خورده است. دانشمندان علوم طبیعی ظاهراً دنیایی را بررسی می‌کنند که پژواکی ندارد ولی تحلیل‌ها و تفسیرهای نظری علم اجتماع از رفتار انسان دائماً به موضوعشان (دنیای اجتماعی) بازخورد داده می‌شوند و آن‌ها می‌توانند رفتارشان را تغییر دهند. دانشمندان علم اجتماعی مانند گیدنز و فلاسفه علم مانند باسکار این فرآیند را هرمنوتیک مضاعف یا هرمنوتیک دوگانه (شکل ۱) نامیده‌اند (دانایی‌فرد ۱۳۹۷، مکولی و همکاران ۱۳۸۹، ۳۸-۴۲). ازاین‌جهت اندیشه‌ورزی و پژوهشگری در علوم اجتماعی به دلیل ماهیت موضوع مورد مطالعه خود، باید در رفت و برگشتی دائمی و بسیار نزدیک با واقعیت‌های اجتماعی باشند تا تحلیل‌ها و نظریه‌های دقیق و عمیق‌تری ارائه کنند.



شکل (۱): هرمنوتیک مضاعف (مکولی و همکاران ۱۳۹۸)

۱-۲. علوم اجتماعی به مثابه حکمت عملی

انسان به مثابه کنشگر و از آن حیث که دارای اراده و اختیار است، مبنای علوم انسانی و اجتماعی است (موسوی و حسنی ۱۴۰۰ الف، ۱۸). دانش ساختن و شناسایی انسان و جوامع انسانی همواره در هر دوره‌ای از زندگی بشر وجود داشته است و صرفاً واژگان مورد اشاره به آن‌ها در طول تاریخ تغییر کرده‌اند. آنگاه که طبیعت‌گرایی ایدئال این دانش شد، علوم اجتماعی نامیده شد (با ایفای نقش مؤثر توسط آگوست کنت و دورکیم). آنگاه که تاریخ و روح محور بحث در مورد امر تمدن ساز و انسان ساز شد، این دانش نام علوم تاریخی و علوم روحی به خود گرفت (با ایفای نقش مؤثر توسط ویلهلم دیلتای و گادامر). آنگاه که فضیلت مبنای شد، حکمت عملی ارسطویی (فرونسیس) شکل گرفت و علم خُلُق‌ی یا فلسفه خُلُق‌ی نیز تنسيق دیگری از این دانش انسانی است که بر ساختارهای با ثبات وجود انسانی که همان خُلُق یا اخلاقیات او باشند، متمرکز می‌شد. تمامی نحله‌ها و پارادایم‌های علوم انسانی در تطور تاریخی خود جایگاهی از حکمت عملی را اشغال کرده‌اند، به عبارت دیگر حکمت عملی در فلسفه اسلامی جایگاهی را عهده‌دار شده است که تمامی پارادایم‌های علوم انسانی و اجتماعی در صدد آن بوده و هستند (همان، ۴-۲۵). بوذری‌نژاد نیز حکمت عملی و علوم اجتماعی را از آن حیث که به کنش ارادی انسانی می‌پردازند هم موضوع می‌داند (بوذری‌نژاد ۱۳۹۹).

کنش، عمل، کنش اجتماعی، هویت فردی، هویت اجتماعی، خُلُق، جامعه، ساختارها، عادات، رویه، اراده، آزادی، عامل، نفس، امیال و انگیزه‌ها و به‌طور کلی واقعیاتی که توسط انسان‌ها و جوامع انسانی ایجاد شده و با اراده انسانی در این جهان پدید می‌آید، از جمله هویت‌هایی هستند که علوم انسانی و اجتماعی متکفل شناسایی آن‌هاست. از طرف دیگر حکمت عملی به مثابه دانشی برای شناسایی و ادراک هستی‌های جهان انسانی و اجتماعی

(هستی‌های ارادی) است که طیف وسیعی از پدیده‌های جهان هستی را به خود اختصاص می‌دهد. از این رو حکمت عملی دانشی است که محل تجمع نیروها، دانش‌ها و ایدئال‌هایی است که جهان اراده را شناسایی و آن را در راستای غایات ایدئال عقلی رهنمون می‌کند (موسوی و حسنی ۱۴۰۰، ب، ۲۲۹). پژوهشگران استدلال کرده‌اند که ظرفیت تحلیلی چهارچوب دانش حکمت عملی در ارتباط با هستی‌های اجتماعی بسیار بیشتر از رویکردها و پارادایم‌های موجود است (همان، ۱۴۰۰، ب، ۲۹۵-۳۰۰). در ادامه قدری این دانش حکمت عملی تفصیل خواهد شد.

اولین گام فیلسوفان مسلمان برای طرح دانش حکمت عملی، طرح مفهوم علم مدنی توسط فارابی است. فارابی، نخستین فیلسوفی است که از بین اندیشمندان مسلمان به‌صورت جدی مباحث حکمت عملی را طرح کرده و آن را به‌عنوان دانشی واحد که پوشش‌دهنده همه مباحث معطوف به کنش ارادی خیر و شر در همه ساحت‌های فردی، اجتماع منزلی و اجتماع مدنی دانسته و از این دانش واحد با نام علم مدنی نیز یاد کرده است (نوری ۱۴۰۱). اگرچه طرح مباحث بنیادین حکمت عملی اعم از معنی حیات انسانی، چیستی قوای نفس، چیستی عقل نظری و عقل عملی و چگونگی رابطه آن دو، طرح مبادی کنش ارادی و ... می‌تواند در تبیین مفهوم حکمت عملی تسهیلگری کند ولی باتوجه‌به هدف پژوهش حاضر از بازگویی آن‌ها اجتناب شده (برای کسب اطلاع بیشتر رجوع شود به نوری ۱۴۰۰؛ نوری ۱۴۰۱؛ احمدی‌زاده و امینیان ۱۴۰۲؛ شه‌گلی ۱۳۹۸) و فقط برخی وجوه روبنایی دانش حکمت عملی از منظر فارابی که در ارتباط با مفهوم علوم اجتماعی متعارف قرار دارد، مورد اشاره واقع خواهد شد.

فارابی در کتاب فصول منتزعه قائل است قوه ناطقه انسان سه کارکرد اصلی دارد: (الف) ادراک معقولات؛ (ب) حیات علوم و صنایع؛ (ج) تمیز افعال جمیل و قبیح از یکدیگر؛ که مبتنی بر آن‌ها، به سه گونه تقسیم می‌شود: قوه نظری، قوه عملی مَهْنِی (به تعبیر دیگر فارابی،

قوه صنعتی) و قوه عملی فکری (به تعبیر دیگر فارابی، قوه مرویه) که توضیحی از آن‌ها در ادامه ذکر خواهد شد. وظیفه قوه نظری، ادراک کلیات است و شأنیت ورود به عمل ندارد و تنها می‌تواند از آن‌ها شناخت پیدا کند. این کلیات اعم از کلیات در فضای حکمت نظری و کلیات در فضای حکمت عملی هستند. کار قوه عملی مهنی، کسب مهارت‌ها و فنون است و کار قوه عملی فکری، جداکردن افعال حسن از افعال قبیح است. هر دو قوه عملی مهنی و قوه عملی فکری معطوف به جزئیات هستند که توان پدیدآوردن آن‌ها در خارج وجود دارد و عقل عملی پس از تروی درباره این جزئیات، به انجام آن‌ها (با استخدام دیگر قوا) می‌پردازد (فارابی ۱۳۸۲؛ نوری ۱۴۰۰).

بنابراین کار «نیروی رویه‌گر» یا «قوه مرویه» در انسان، تروی و مواجهه متأملانه در افعال به‌منظور بررسی پیامدهای مثبت و منفی برای تصمیم‌گیری در خصوص انجام یا ترک آن افعال است (علوی، بهشتی، رشیدی ۱۴۰۰). رویه، نوعی اندیشیدن عملی است که کنش‌های مختلف را با توجه به اهدافشان به مرحله تعیین‌یافتگی می‌رساند (موسوی و حسنی ۱۴۰۰ ب، ۶۲). حسنی و موسوی (۱۳۹۸، ۴۳) رویه را مساوق با مفهوم تدبیر یا معادل انگلیسی آن را Deliberation می‌دانند.^۱ فارابی برای بیان فضائل قوه مرویه، فضائل انسانی را در دو دسته فضائل خلقی (فضائل قوه نزوعیه) و فضائل نطقی (فضائل قوه ناطقه) قرار می‌دهد که جزء ناطقه را به دو دسته جزء ناطق نظری و جزء ناطق فکری تقسیم می‌کند. از نظر وی، فضائل جزء ناطق نظری عبارت است از عقل نظری، علم و حکمت؛ اما فضائل جزء ناطق فکری عبارت است از عقل عملی، تعقل، حدت ذهن، جودت رأی و ظن صواب. قوه مرویه در اصل همین جزء ناطق فکری است که فضائل آن ذکر شد (فارابی ۱۳۸۲؛ نوری ۱۴۰۰).

۱. برای آشنایی بیشتر رجوع کنید به (حسنی و موسوی ۱۳۹۸).

در توضیح فضائل جزء ناطقه فکری، عقل عملی، همان نیرویی است که مقدمات را از طریق تجربه فراوان امور و مشاهده اشیای محسوس درک می‌کند و انسان با درک این مقدمات می‌تواند از جزئیات افعال ارادی آگاهی یابد. تعقل به عنوان فضیلت دیگر، به توان تدبیر و تروی نیکو و چاره‌جویی در استنباط افعال حسن گفته می‌شود. حدت ذهن نیز نوعی تعقل برای به دست آوردن رأی نیکو از میان آرای مختلف و توان استدلال بر نیکو بودن آن است. جودت رأی نیز نوعی تعقل است که معمولاً در انسان‌های اهل کار خیر یافت می‌شود به طوری که درستی گفته‌ها و آرای وی درباره کارهای خیر با در نظر گرفتن تجربه و تکرار فراوان این کارها به اثبات رسیده است و به کارگیری این گفته‌ها و آرای وی پیامدهای خوبی را خواهد داشت و نیازی به اقامه دلیل برای اثبات درستی این گفته‌ها و آرای وی نیست (فارابی ۱۳۸۲؛ نوری ۱۴۰۰).

اکنون که تا حدودی مفهوم قوه مرویه و فضائل آن روشن شد می‌توان مفهوم علم مدنی در نگاه فارابی را راحت‌تر بیان کرد. علم مدنی در حقیقت نزدیک‌ترین مفهوم به علوم انسانی و اجتماعی است که در آن از ضرورت و شیوه اداره حکومت فاصله سخن به میان می‌آید. علم مدنی از انواع افعال و رفتارهای ارادی، ملکات، سجایا، عادات منجر شده به رفتارهای ارادی، اهداف این رفتارهای ارادی، ملکات شایسته انسان و زمینه استقرار این ملکات در انسان بحث می‌کند. براساس علم مدنی راه ایجاد فضیلت، ترویج افعال و سنن فاضله در شهرها و میان امت‌هاست تا همگان مشترکاً آن‌ها را به کار ببندند و این کار بدون ایجاد حکومت فاضله ممکن نیست (فارابی ۱۳۶۴، ۱۰۶).

از نظر فارابی در علم مدنی، اداره حکومت فاضله در سایه دو نیرو امکان‌پذیر است: یکی نیرویی که بر قوانین کلی استوار است و دیگری نیرویی که بر اثر تمرین زیاد در کارهای کشورداری به دست می‌آید یعنی نیرویی که از راه ممارست و کوشش در پیروی از اخلاق و

رفتار مردمی که در شهرهای نمونه زندگی می‌کنند پیدا می‌شود و این ورزیدگی تنها از راه تجربه و مشاهده بسیار برای انسان ایجاد می‌گردد. درست بدان‌گونه که در طب از تجربه و مشاهده بسیار استفاده می‌شود؛ زیرا طبیب تنها با دو نیرو می‌تواند درمان‌کننده واقعی باشد: یکی نیروی آگاهی بر کلیات و قوانینی است که از کتاب‌های پزشکی به‌دست آورده است و دیگری نیرویی است که بر اثر کار زیاد در اعمال پزشکی و درمان بیماران برای او ایجاد می‌شود؛ زیرا ورزیدگی در این حرفه تنها از راه تجربه زیاد و معاینه بدن‌های اشخاص امکان‌پذیر است. به مدد همین نیرو است که طبیب می‌تواند مقدار داروهای لازم را بشناسد و به تناسب هر بدن در هر حالتی به درمان بپردازد. اداره حکومت نیز چنین است یعنی تجربه و ورزیدگی فرمانروا سبب می‌شود که حدود مشکلات را تشخیص دهد تا به تناسب هر پیشامدی و هر حالتی و در هر هنگامی با این نیرو و این تجربه بتواند امور مردم را سامان بخشد. فلسفه مدنی در مواردی که به بررسی افعال و سنن و ملکات ارادی و سایر مباحث مربوط به آن بپردازد، قوانین کلی را به‌دست می‌دهد و چگونگی و ابزار اندازه‌گیری آن‌ها بر حسب احوال و اوقات مختلف را نیز نشان می‌دهد. سپس آن‌ها را اندازه ناگرفته باقی می‌گذارد چراکه این کار مخصوص نیروی دیگر است (فارابی ۱۳۶۴، ۱۰۶-۱۱۲).

بنابراین آنچه در بیان فضائل قوه مرویه و تروی نیکوگذشت، در بیانی دیگر از فارابی در نیروی حسابگر و تجربه‌گر طبابت‌گونه رئیس مدینه برای اداره حکومت فاضله مشاهده می‌شود. رئیس مدینه باید بتواند در کنار کسب علم و حکمت که از فضائل قوه نظری محسوب می‌شوند، در یک فرآیند طراحی تجربی شیوه‌های راهبری اجتماعی نیز قوت داشته باشد. به همین دلیل است که فارابی در بیان خصائل رئیس مدینه، رئیس مدینه را برخوردار از ویژگی‌های شش‌گانه می‌داند: حکمت، تعقل تام، مهارت در قانع‌سازی و خیال‌انگیزی (جوده الاقناع و جوده التخیل، که به ترتیب، در دو صنعت خطابه و شعر به کار می‌آیند)، توان بدنی

برای جهاد و سلامت جسمانی (فارابی ۱۳۸۲؛ فارابی ۱۳۶۱). از بین این ویژگی‌ها قوه تخیل بالا برای طراحی‌های پی‌درپی برای اداره جامعه به‌خوبی نشانگر کارکرد قوه مرویه است.

پس در مقام جمع‌بندی، روشن شد که دانش حکمت عملی یا در بیان فارابی دانش علم مدنی، دانشی است که با حضور جدی نیروی رویه‌گر یا قوه مرویه معنا پیدا می‌کند. بدین ترتیب این نیروی حسابگر به‌صورت دائمی در رفت‌و برگشت بین داشته‌های نظری و تحقق عینی هدف مدنظر است تا بدین ترتیب بهترین شیوه‌های رسیدن به هدف را طراحی کند. این طراحی شیوه‌های نیل به هدف منطبق با وظایفی است که امروزه علوم انسانی و اجتماعی متعارف نیز عهده‌دار آن هستند. بنابراین دانش حکمت عملی یا دانش هستی‌های ارادی، به‌عنوان زمینه اصلی تولیدات علوم انسانی و اجتماعی هستند و براین اساس آداب پژوهشگری در علوم انسانی و اجتماعی را باید در آداب تعامل با قوه مرویه و فضائل آن جست‌وجو کرد.

در ادامه برای طرح بحث از چگونگی پژوهش مبتنی بر این دانش حکمت عملی یا دانش هستی‌های ارادی، ابتدا چگونگی پژوهش در علوم اجتماعی متعارف با هدف تبیین چگونگی نظریه‌پردازی در عین جامعه‌پردازی ارائه خواهد شد و سپس مبتنی بر آن، دلالت‌هایی برای پژوهش با چهارچوب دانش هستی‌های ارادی طرح خواهد شد. چرا که مباحث دانش هستی‌های ارادی به‌عنوان علوم انسانی و اجتماعی مطلوب در حد بنیادی و ماهوی پیش رفته است (موسوی و حسینی ۱۴۰۰) ولی در مقام چگونگی و روش پژوهش هنوز خلأ جدی وجود دارد.

۲. چگونگی «نظریه‌پردازی همراه جامعه‌پردازی» در علوم اجتماعی

پس از بیان مسئله ابتدایی در خصوص عدم ارتباط حوزه نظری و عملی در علوم اجتماعی و

جامعه ایرانی و همچنین تبیین چستی علوم اجتماعی متعارف در پرتو تطور پارادایم‌های آن و روشن شدن ضرورت رفت و برگشت نظر و عمل اجتماعی برای نظریه‌پردازی مطلوب در علوم اجتماعی، اکنون نوبت به تبیین چگونگی این سنخ از نظریه‌پردازی که در بطن خود جامعه‌پردازی را نیز مدنظر دارد، رسیده است. رویکردهای اخیر در فلسفه علم با اذعان به این اصل، روش‌شناسی‌هایی را پیش روی پژوهشگران قرار داده‌اند که در دنیا مورد استفاده بسیاری قرار گرفته است. در ادامه یکی از آن‌ها یعنی روش‌شناسی «دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه» یا «زندگی علمی درهم‌تنیده با جامعه» طرح خواهد شد و سپس روش «اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه» به مثابه یکی از روش‌های برآمده از آن معرفی خواهد شد و در نهایت «دلالت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای پژوهش‌های مبتنی بر هستی ارادی» احصا خواهد شد.

۱-۲. روش‌شناسی «دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه»

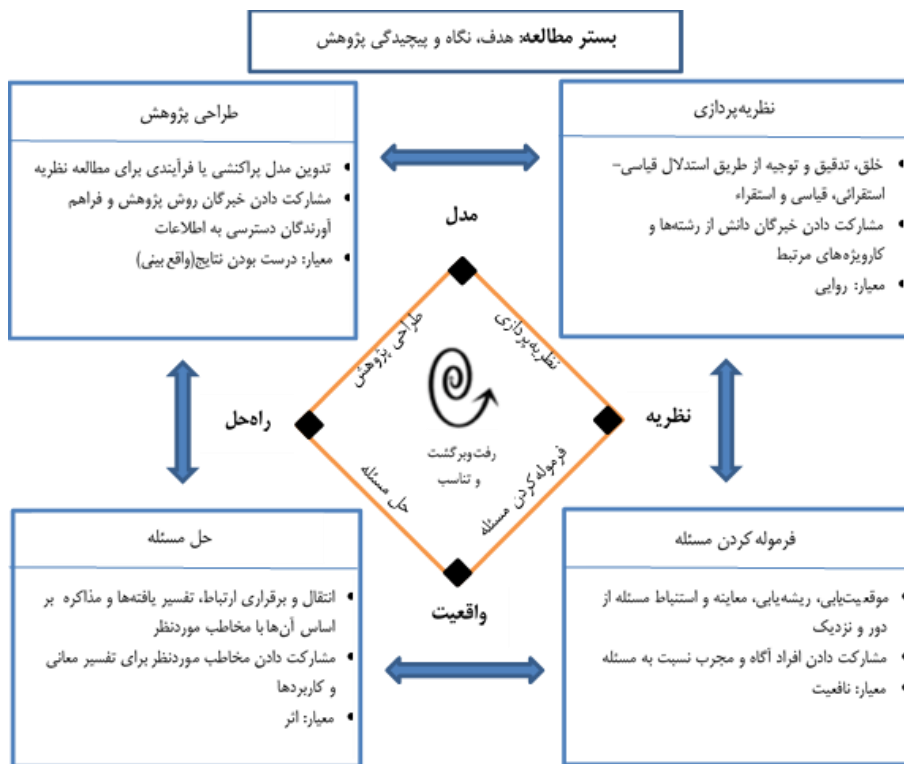
«دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه» یا «زندگی علمی درهم‌تنیده با جامعه» دو ترجمه از مفهوم Engaged Scholarship در ایران است. این مفهوم اولین بار توسط اندروون دی ون، استاد دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا در کتابی با همین عنوان به کار رفته است (ون دی ون ۲۰۰۷) که در ایران هم دو ترجمه از آن کتاب با عناوین «روش‌شناسی نظریه‌پردازی، بر مبنای پژوهش مشارکت‌جویانه در علوم اجتماعی» (دانایی فرد ۱۳۹۲) و «زندگی علمی، درهم‌تنیدگی با جامعه و تئوری‌پردازی در علوم اجتماعی» (سوزنچی کاشانی ۱۴۰۰) انجام شده است.

ون دی ون رویکردهای موجود به پژوهش اجتماعی را نوعی رویکرد غیرمشارکت‌جویانه می‌داند که پژوهشگران به‌تنبهایی و بدون ابلاغ آن به دیگر ذی‌نفعان (اندیشمندان رشته‌های مختلف، مدیران با تجارب کارویژه‌ای مختلف و دیگر کاربران و حامیان بالقوه) که می‌توانند سهم مهمی در فهم قلمرو مسئله مورد مطالعه ایفا کنند، وارد عمل می‌شوند. این سنخ از

پژوهش‌ها غالباً از نظر نافعیت برای حوزه عمل و همچنین از نظر دقت‌مندی در فرآیند نظریه‌پردازی دچار خدشه هستند (دانایی‌فرد ۱۳۹۲، ۲۲). برای مثال دانش‌پژوهان مدیریت از آن‌جهت که به حد کفایت دانش انتزاعی را در عمل متجلی نساخته‌اند موردانتقاد قرار گرفته‌اند (بئر و ترايس ۱۹۸۲، لاولر و همکاران ۱۹۸۵، هاجکینسون و همکاران ۲۰۰۱ به نقل از دانایی‌فرد ۱۳۹۲). مدیران نیز از آن‌جهت که از پژوهش‌های مرتبط با کارشان آگاه نیستند و تلاش نمی‌کنند عمل خود را به نظریه مزین سازند موردنقد قرار گرفته‌اند (وایک ۲۰۰۱، ون دی ون ۲۰۰۲، به نقل از دانایی‌فرد ۱۳۹۲، ۱۶).

پژوهش اجتماعی نوعی فرآیند شدیداً اجتماعی است (همان ۱۳۹۲، ۳۲) و ضرورتاً تولید دانش اجتماعی نیز باید در بطن اجتماع و در مشارکت کامل سوژه و ابژه شکل بگیرد. ولی واقعاً چگونه این امر ممکن خواهد بود که یک دانش‌پژوه نوعی مطالعه پژوهشی در مورد مسئله‌ای پیچیده در جهان را فرموله کند هم نظریه و هم عمل را ارتقا دهد؟ ون دی ون در پاسخ به این سؤال، برای بسط قابلیت‌های دانش‌پژوهان جهت مطالعه مسائل پیچیده و خلق نوعی از دانش که هم علم و هم عمل را پیشرفت دهد، شیوه دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه را پیشنهاد کرده است.

ون دی ون برای ارائه جامع روش‌شناسی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه، آن را در قالب یک مدل الماسی یا مدل لوزی خلاصه کرده است و کل کتاب او نیز بسط همین مدل است (سوزنچی ۱۴۰۰؛ دانایی‌فرد ۱۳۹۲). هریک از این گام‌ها به همراه معیار ارزشیابی آن‌ها در قالب مدل زیر قابل مشاهده است و در ادامه شرح مختصری از آن خواهد آمد.



شکل (۲): مدل الماسی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه (دانایی‌فرد ۱۳۹۲ و سوزنجی ۱۴۰۰)

طبق مدل الماسی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه، پژوهشگر دائماً بین واقعیت و مسئله میدانی (واقعیت)، پاسخ‌های دیگران به مسئله مدنظر و همچنین نظریه‌سازی خود پژوهشگر (نظریه با نقش آفرینی استراتژی استدلال استقراء)، طراحی پژوهشی برای مطالعه نظریه ساخته‌شده (مدل) و حل مسئله بیرونی (راه‌حل) در رفت‌و برگشت است. هرچه دورهای این رفت‌و برگشت بیشتر و بیشتر بشود، همه ابعاد پژوهش اعم از فرموله کردن مسئله، نظریه‌پردازی و حل مسئله، دقیق و دقیق‌تر خواهد شد، لذا این چرخه‌های رفت‌و برگشت در صورت نبودن عناصر محدودکننده، می‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد.

بازنگری‌های متعدد این فعالیت‌های پژوهش در سراسر مدت مطالعه و در رفت و برگشت‌ها ضروری است. لازم به ذکر است که توالی این فعالیت‌ها و نقطه شروع آن‌ها می‌تواند از هر کدام از نقاط چهارگانه مدل الماسی باشد ولی با توجه به تخصیص منابع محدود برای پژوهش، حفظ تعادل در انجام این فعالیت‌ها و تقسیم زمان به‌طور مساوی بین آن‌ها حائز اهمیت است. ون دی ون، دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه را به چهار نوع تقسیم کرده است.

جدول (۱): انواع دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه (دانایی فرد ۱۳۹۲، ۳۹۹)

سؤال یا هدف غایی پژوهش			
برای طراحی، کنترل		برای توصیف، تبیین	
نگاه پژوهشی	علم خط‌مشی، طراحی یا پژوهش ارزشیابی برای عمل حرفه‌ای	علم بنیادی با مشورت (توصیه) ذینفع	ناظر بیرون جدای از سیستم اجتماعی
	اقدام‌پژوهی یا پژوهش مداخله‌ای برای یک متقاضی	تولید همکاری‌گونه دانش با کمک طرفین	ناظر درونی سیستم اجتماعی

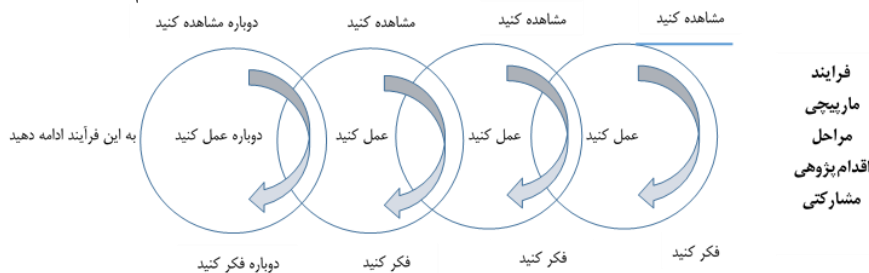
پژوهشگر بایستی براساس معیارهایی همچون مسئله پژوهش، حالت پژوهش (درونی یا بیرونی بودن پژوهشگر نسبت به ابژه مطالعاتی)، روابط پژوهشگر-ذی‌نفع، استمرار زمانی مطالعه، نگاه بازاندیشانه پژوهشگر، محدودیت‌های مشارکت‌جویی، اندازه و قلمرو مطالعه از بین این چهار گونه انتخاب کند (دانایی فرد ۱۳۹۲، ۳۹۹).

۲-۲. روش «اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه»

یکی از شیوه‌های دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه، اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه است که در ایران هم با ادبیات مختلفی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است ولی آنچه در اینجا طرح

خواهد شد مبتنی بر ظرفیت آن برای پژوهش‌های مبتنی بر هستی‌های ارادی و مبتنی بر اصول تعامل با هستی‌های ارادی است. در ادامه مطالبی در خصوص روش اقدام‌پژوهی در دنیا با تأکید بر به‌کارگیری آن در پایان‌نامه‌های ارشد و رساله‌های دکتری ارائه خواهد شد.

از نظر تاریخی، کورت لوین (روانشناس اجتماعی) نخستین کسی بود که واژه اقدام‌پژوهی را ابداع کرد و به کار برد. نظریه تغییر کورت لوین که در دوره بعد از جنگ جهانی به تدریج اشاعه یافت، هنوز هم یکی از مدل‌های مؤثر در تغییر اجتماعی تا به امروز است (محمدپور ۱۳۹۰، ۳۷۲). گرینود و لوین (4, 2007) اقدام‌پژوهی را «به‌عنوان شکلی از پژوهش اجتماعی که توسط تیمی مشتمل بر اقدام‌پژوه حرفه‌ای و اعضای یک سازمان، اجتماع یا شبکه (ذی‌نفعان) به هدف بهبود موقعیت آن‌ها صورت می‌گیرد» تعریف کرده‌اند. اقدام‌پژوهی را به‌طور مختصر می‌توان طبق نمودار زیر نشان داد که سه بخش اصلی آن «مشاهده»، «اقدام» و «تأمل» است که در نهایت روایت این گام‌ها و چرخه‌ها و روایت تغییر اتفاق افتاده در میدان واقعی مسئله، خروجی اصلی پژوهش خواهد بود (محمدپور ۱۳۸۹؛ Coghlan & Brydon-Miller 2014). در نگاه باردبوری (1, 2015) اقدام‌پژوهی یک رویکرد دموکراتیک و مشارکتی برای تولید دانش است که اقدام و تأمل یا به عبارت دیگر نظریه و به‌کارگیری آن را در راستای ارائه راه‌حل عملیاتی برای موضوعات انسانی، در هم می‌آمیزد.

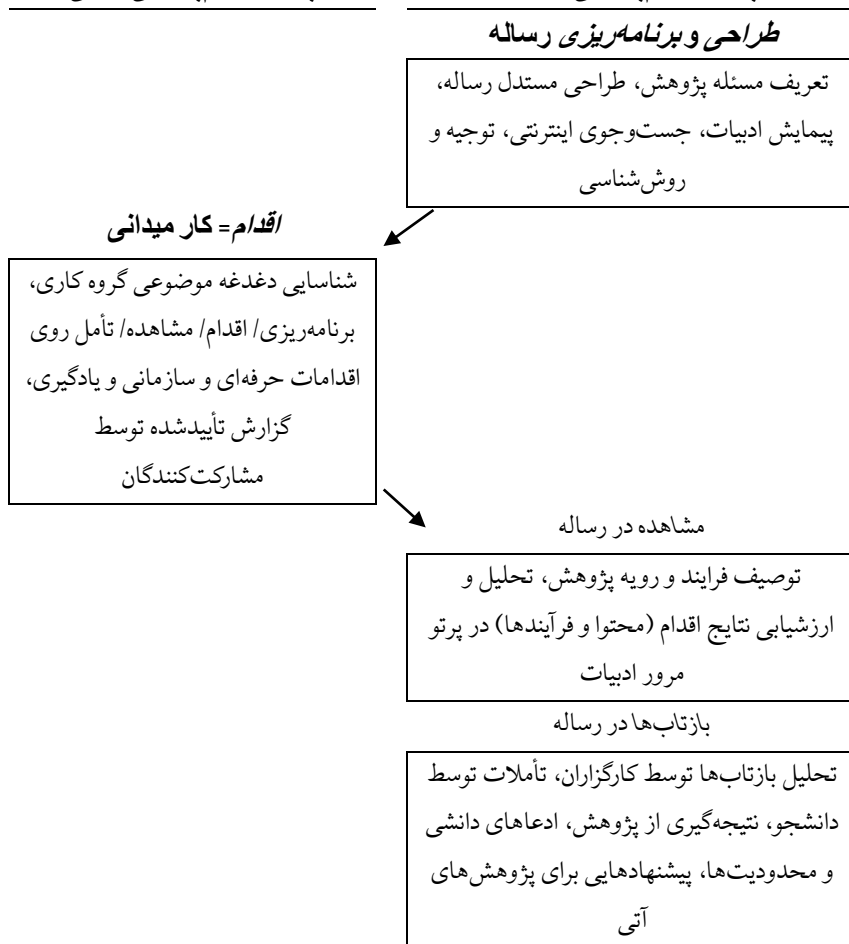


شکل (۳): چرخه‌های اقدام‌پژوهی

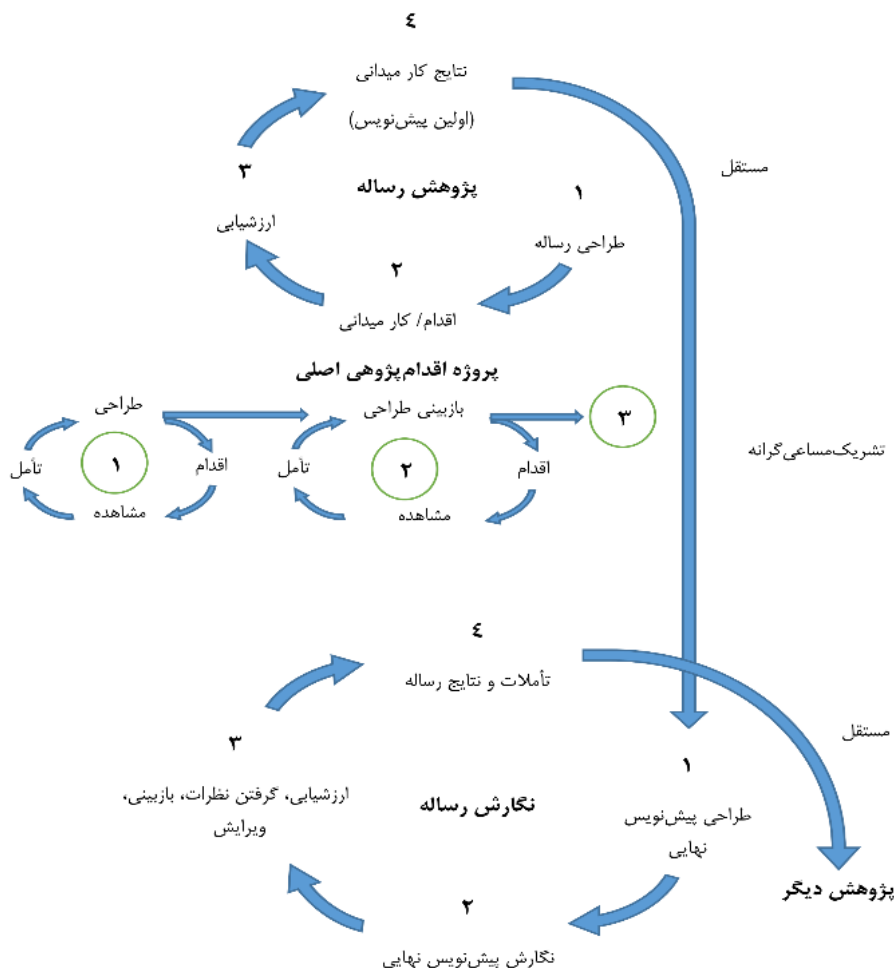
اقدام‌پژوهی به‌عنوان یکی از شیوه‌های پذیرفته‌شده در رساله‌های دکتری و ارشد شناخته می‌شود (Herr 2015; Coghlan & Brannick 2005; Zuber-Skerritt & Fletcher 2003; Zuber-Skerritt 2015). زوبر اسکریٹ و پری (2002) رویکردی از اقدام‌پژوهی را برای انجام رساله‌های دکتری و ارشد پیشنهاد کرده‌اند. در نظر ایشان، دانشجویان در هر پروژه یا رساله اقدام‌پژوهی با دو هدف یا دو ضرورت (McKay and Marshall 2001)، مواجه هستند: یکی حل مسئله عملیاتی در یک سازمان و دیگری هم تولید دانش و فهم جدید. ولی اینکه چگونه می‌توان این دو هدف را با همدیگر تأمین کرد به‌ندرت در ادبیات دیده می‌شود (Perry & Zuber-Skerritt 1994). ازاین جهت زوبر اسکریٹ و پری (2002) دستورالعملی برای رسیدن به این دو هدف طراحی کرده‌اند.

مفهوم کلیدی برنامه اقدام‌پژوهی علوم اجتماعی که زوبر اسکریٹ و پری (2002) ارائه کرده‌اند، معرفی دو گونه متمایز پروژه اقدام‌پژوهی است. یکی پروژه اقدام‌پژوهی اصلی است که دانشجو در قالب آن به‌عنوان یکی از اعضای گروه کاری سازمان شناخته می‌شود و دیگری هم پروژه اقدام‌پژوهی رساله است که دانشجو در قالب آن به‌عنوان یکی از اعضای تیم پژوهشی رساله است (جدول شماره ۲). این تفکیک، طراحی پژوهش را برای دانشجو بسیار آسان‌تر می‌کند. برای مثال دانشجو می‌خواهد تغییرات فرهنگی را مورد مطالعه قرار دهد ولی مدیران سازمانی که می‌خواهد در آن اقدام‌پژوهی کند نسبت به تغییر فرهنگی دغدغه‌ای ندارند و بیشتر به برنامه‌ریزی استراتژیک علاقه‌مند هستند. این تعارض تنها در صورتی رفع خواهد شد که دو گونه متفاوت اقدام‌پژوهی به رسمیت شناخته شود که دغدغه موضوعی (thematic concern) پروژه اقدام‌پژوهی اصلی، برنامه‌ریزی استراتژیک بوده و مسئله پژوهشی پروژه اقدام‌پژوهی رساله، تغییرات فرهنگی است (Zuber-Skerritt & Perry 2002, 176).

جدول (۲): رابطه پروژه اقدام‌پژوهی رساله و پروژه اقدام‌پژوهی اصلی



برای فهم بهتر این چهارچوب مفهومی، آن را به صورت فلوجارت زیر هم نشان داده‌اند (Zuber-Skerritt & Fletcher 2015, 233). همان‌گونه که در شکل شماره ۶ آمده است، این فلوجارت خود نیز در قالب چرخه‌های اقدام‌پژوهی قابل تعریف و ادامه است.



شکل (۴): فلوچارت اقدام‌پژوهی رساله (Zuber-Skerritt & Fletcher 2015, 233)

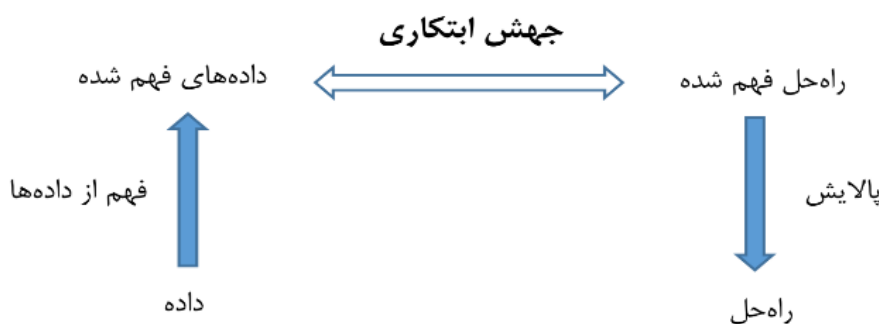
۳-۲. دلالت‌های اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای پژوهش‌های مبتنی بر هستی‌ارادی یکی از اهداف پژوهش حاضر، گشودن عرصه جدیدی برای بحث در خصوص «چگونگی انجام پژوهش‌های مبتنی بر هستی‌ارادی» است و در این بخش به آن موضوع پرداخته

خواهد شد. آن چنان که گذشت، «چیستی» علوم اجتماعی متعارف و علوم اجتماعی به مثابه دانش حکمت عملی روشن شد و سپس «چگونگی» پژوهش در علوم اجتماعی متعارف نیز با طرح روش شناسی دانش پژوهی مشارکت جویانه و روش اقدام پژوهی مشارکت جویانه بیان شد و اکنون نوبت به بحث در خصوص چگونگی پژوهش مبتنی دانش حکمت عملی رسیده است. بدین منظور در ادامه به این سؤال پرداخته خواهد شد که روش اقدام پژوهی مشارکت جویانه چه ظرفیت های را برای پژوهش های مبتنی بر هستی های ارادی می تواند به ارمغان بیاورد؟ تا از این طریق مسیر چگونگی و روش شناسی پژوهش های مبتنی بر هستی ارادی طرح و بسط یابد.

الف) اقدام به تولید ابداعات انسانی و اجتماعی: عقل عملی با حفظ هویت معرفتی خود به تناسب اهدافی که با کمک عقل نظری بر صحت و سقم آن ها داوری می کند، مفاهیم و معانی انسانی را ابداع می کند. این بخش از ابداعات (موسوم به اعتبارات اجتماعی در زبان علامه طباطبائی) الگوی آرمانی رفتار و زیست انسانی را ترسیم می کنند (پارسانیا ۱۳۸۷، ۲۶). لذا ابداعات انسانی از کارهای عقل عملی است که با کمک عقل نظری انجام می دهد. در جریان اقدام پژوهی مشارکت جویانه نیز حداقل در دو بخش، جریان ابداع و ابتکار عمل نقش بسیار تعیین کننده ای دارد که بدون وجود آن، دانش پژوهی مشارکت جویانه کأن لم یکن خواهد بود. این دو بخش عبارت اند از: تشخیص مسئله و ساخت نظریه در پرتو استدلال استفهامی که به اختصار تشریح می شود.

ون دی ون در زمینه تشخیص یا معاینه مسئله ناسازگار (به عنوان بخشی از فرموله کردن مسئله) به یک ساختار استنتاجی در تشخیص مسئله به نقل از کلانسی (۱۹۸۵) اشاره کرده است که طبق شکل زیر دارای سه بخش است: الف) طبقه بندی و جمع داده، ب) جهش ابتکاری بین مسئله و راه حل و ج) پالایش راه حل برای تطبیق با مصداق خاص. جهش

ابتکاری (Heuristic Matching Of Problem And Solution) در این ساختار یک جهش بزرگی است. این فرآیند ابتکاری چیزی است که در پس ذهن انسان اتفاق می افتد و انسان احساس می کند توانسته مسیر پاسخ به مسئله را بیابد و لذا این جهش هیچ الگوریتم مشخصی ندارد (سوزنچی ۱۴۰۰، ۴۶). در اینجا اگرچه ابداع به تولید امر بیرونی مرتبط نمی شود ولی اتصال و پیوند داده های طبقه بندی شده به یک راه حل معین مستلزم نوعی ابداع و جریان خلاقانه است.



شکل (۵): ساختار استنتاجی در معاینه یک مسئله (سوزنچی ۱۴۰۰، ۴۶)

یکی دیگر از عناصر مهم دانش پژوهی مشارکت جویانه، ساخت نظریه است. ساخت نظریه سه مرحله دارد که شامل تصویرسازی مفهومی نظریه، ساخت بندی نظریه و نهایتاً ارزیابی و توجیه نظریه می شود و هرکدام متناظر با سه روش استدلال علمی صورت می گیرد یعنی استدلال استقهای، استدلال منطقی و استدلال استقرایی. بدین ترتیب براساس مدل دانش پژوهی مشارکت جویانه، اولین گام نظریه پردازی، به تصویر کشیدن جرقه ذهنی ایده ای است که ممکن است به یک نظریه تبدیل شود. خروجی نهایی استدلال استقهای یک پاسخ هماهنگ و در مورد مسئله است و فرآیند طی شده میان مشاهده پدیده تا حصول پاسخی جامع و قابل قبول یعنی بازاندیشی در عمل، ممکن است کوتاه مدت یا بسیار طولانی مدت

باشد. برخی صاحب‌نظران جرعه‌های ذهنی لحظه‌ای و خلاقیت‌های کوتاه‌مدت مربوطه در ارائه پاسخ را معادل با نتیجه استدلال استفهامی در نظر می‌گیرند که خیلی کوتاه‌مدت است و برخی دیگر نیز تمام فرآیند تکاملی و تدریجی طی شده را لازمه کسب نتیجه قلمداد می‌کنند که بسیار طولانی‌مدت است. آنچه قدر متیقن است حضور جدی روح ابداع و منطق کشف و خلاقیت در استدلال استفهامی است و بدون این ابداع و خلاقیت اولیه جریان استدلال استفهامی شروع نخواهد شد و این جرعه اولیه در فرآیند رفت‌وبرگشت قیاسی و استقرائی به یک نظریه متقن تبدیل خواهد شد. به‌عنوان مثال یک پاسخ اولیه به وضعیت نابهنجار ارائه می‌شود و در رفت‌وبرگشت ذهن و عین، این پاسخ (به تعبیر ون دی ون همان نظریه که در زبان حکمت عملی ممکن است یک صناعت انسانی باشد) صیقل می‌خورد و تکامل می‌یابد. بنابراین در دانش حکمت عملی نیز نوعی فرآیند استفهامی مشاهده می‌شود.

ب) ساخت تکاملی و تدریجی هستی‌های ارادی و اجتماعی: علاوه بر ماهیت خلاقانه، ابداعی و رفت و برگشتی رویکرد استفهامی، این رویکرد مسیر ورود ارزش‌ها و نگاه‌های اسلامی در فرآیند نظریه‌پردازی را کاملاً هموار کرده است (سوزنچی ۱۴۰۰، ۲۱۳). شاید به همین دلیل ابن‌سینا در خصوص حکمت عملی چنان بحث را گسترش نداده است و لزوم رجوع به شریعت و صناعت شارع در همین ابداعات و خلاقیت‌ها و صناعت‌های انسانی را در نظر داشته است (جان‌محمدی ۱۳۹۲) تا این ابداعات و صناعات نیز در مسیر شریعت اسلامی پیش بروند. از این نظر می‌توان گفت که فرآیند دانش حکمت عملی مخصوصاً در حوزه صناعات شارع هم از نوعی رویکرد استفهامی و رفت و برگشتی تکاملی و تدریجی پیروی می‌کند و در این زمینه آیت‌الله مهدوی کنی می‌فرماید: «اجتهاد ما که در حوزه‌ها هست، هم نظری است و هم عملی. مجتهدی واقعاً مجتهد است و به درد می‌خورد که بیاید در حوزه مردم و جنبه‌های کاربردی فتاوایش را در نظر بگیرد و الا برخی

علما و مجتهدین هستند که با جامعه کار ندارند، اثر وجودی‌شان خیلی کم است. هرکس اثر وجودی پیدا کرده است که می‌گویند مرجع تقلید، معنایش همین است که آن مرجع تقلید هم نظریه می‌دهد و هم جنبه‌های کاربردی فتاوا را در نظر می‌گیرد. لذا رساله عملیه هم دارای جنبه‌های کاربردی است که در آن مسائل ریز گفته می‌شود. شاید خیلی از این مسائل ریز را در شرح لمعه، کتاب‌ها و منابع اصلی بزرگ پیدا نکنید. پس مجتهد هر دو را باهم دارد. اصلاً پیشرفت علم به این است که به جنبه‌های کاربردی بپردازد. کاربرد علم ممکن است گاهی اشتباهات ما را معلوم کند... ما نباید جنبه‌های کاربردی را از جنبه‌های نظری جدا کنیم. دانشگاهی به درد می‌خورد که جنبه‌های کاربردی هم داشته باشد و الا اصلاً دانشگاه نیست» (مهدوی کنی ۱۳۹۳، ۳۶). بنابراین لازمه تطبیق معارف اسلامی با مقتضیات زمان و مکان، توجه به رفت و برگشت و ساخت تکاملی و تدریجی هستی‌های اجتماعی است که موضوع اصلی علوم اجتماعی محسوب می‌شود.

ج) توجه به تفکر طراحی در هستی‌های ارادی و اجتماعی: نمونه دیگری از وجوه ظرفیتی اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای دانش حکمت عملی، ترکیب تفکر تحلیلی با تفکر طراحی است. علم به معنای متداول حاصل تفکر تحلیلی است که ریشه در رنسانس دارد درحالی‌که طراحی ریشه در تفکر ترکیب دارد، علم شکل‌های موجود را بررسی می‌کند درحالی‌که طراحی شکل‌های جدید را ایجاد می‌کند، جهت حرکت در علم از سمت واقعیت به سمت ذهن است درحالی‌که در طراحی از سمت ذهن به سمت واقعیت است. در تفکر تحلیلی از قیاس و استقرا استفاده می‌شود درحالی‌که در تفکر طراحی از استدلال استفهامی بهره می‌برند. در اولی منطق این است که چه چیزی وجود دارد ولی در دومی منطق این است که چه چیزی ممکن است باشد. تفکر علمی متن‌محور، فرمول‌محور و نظریه‌محور است درحالی‌که تفکر طراحی مدل‌محور و عمل‌محور است (محبوبی ۲۰۰۷).

به نقل از سوزنچی (۱۴۰۰). در مقاله تفکر طراحی خود، ابتکار مدل ون دی ون را در جمع دو تفکر طراحی و تحلیلی می‌داند. محور تحلیلی شامل واقعیت و نظریه است و محور طراحی شامل مدل و کاربرد آن. تفکر طراحی با ویژگی‌هایی که برای آن احصا شد، نوعی از حکمت عملی و اعتبارات انسانی و اجتماعی درخصوص یک واقعیت بیرونی است. لذا از این وجه نیز ظرفیت دانش حکمت عملی در تفکر طراحی و جمع آن با تفکر تحلیلی روشن می‌شود. ضرورت تفکر طراحی و لزوم آن در دانش هستی‌های ارادی در برخی ویژگی‌های رئیس مدینه مثل قوه تخیل بالا (فارابی ۱۳۶۱) به‌وضوح روشن است.

د) استفاده از استعاره پزشکی در شیوه دانش‌پژوهی: یکی از موضوعات دیگری که دلالت مفهومی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه برای دانش حکمت عملی را نشان می‌دهد، استفاده از استعاره پزشکی (به‌عنوان دانش‌پژوه مشارکت‌جو) و رابطه آن با بیمار (به‌عنوان مسئله واقعی) و درمان و بهبودی او (انجام راه‌حل مسئله) در هر دو رویکرد برای تعریف هویت پژوهشگر است. ون دی ون بارها برای توصیف نقش دانش‌پژوه مشارکت‌جو، فرموله کردن مسئله و شیوه پیگیری تا رسیدن به حل مسئله از مثال پزشکی استفاده کرده است (برای نمونه دانایی فرد ۱۳۹۳، ۱۲۷ و ۱۲۹ و ۳۸۱). ازسوی دیگر فارابی در فصل پنجم کتاب احصاء العلوم (۱۳۶۴) وقتی در پی توضیح علم مدنی است از استعاره طب استفاده کرده است. لذا در هر دو مورد تکرار تجربه و مشاهده و اصلاح مکرر و تدریجی طبابت‌گونه از اصول اساسی تلقی می‌شود.

ه) چرخه حلزونی بین واقعیت، نظریه، مدل و راه‌حل عینی: دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه دارای چهار ضلع اصلی واقعیت، نظریه، مدل و راه‌حل است. در دانش حکمت عملی نیز اولاً حضور در واقعیت بسیار مهم است چراکه بخشی از وجود انسان در امور دنیا و بدن او تعین پیدا کرده است و او باید جهت استکمال نفس حتماً به این نشئه

وجودی خود توجه داشته باشد. به قول امام خمینی، «کمال انسانی، به عقل عملی است نه به عقل نظری؛ ممکن است انسان، برهان داشته باشد ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند، ولی عقل عملی، همان ارجاع کثرت به وحدت عملاً و خارجاً است؛ لذا کمال انسان به عقل عملی اوست نه به عقل نظری» (خمینی ۱۳۶۳، ۳۵۴). ثانیاً بخش قابل توجهی از دانش حکمت عملی به ادراک خوب و بد اعمال با استفاده از مشهورات و محمودات و صناعات شارعه... است. در اینجا در حقیقت انسان با نظریه پردازی وارد استنباط احکام جزئی مربوط به عمل می شود تا در موقعیت های مختلف بتواند به خوبی عمل کند. ثالثاً آنچه مایه سنجش اعتبارات و صناعات انسانی در حکمت عملی است، لغویت یا عدم لغویت آن نسبت به غایت مدنظر است. لذا تحقق خارجی عمل یکی از ارکان اصلی حکمت عملی به حساب می آید. با توجه به کثرتی که در اقتضانات زمانی و مکانی وجود دارد، تحقق خارجی عمل باید دائماً در حال اصلاح باشد. خروجی حکمت عملی در رفت و برگشتی دائمی با احکام کلی عملی و همچنین با کمک گرفتن از عقل نظری اصلاح و بهبود پیدا می کند و این به دلیل خاصیت متکثر فضای واقعی و دنیایی زندگی انسان است.

از سویی دیگر شایان ذکر است که ون دی ون دانش پژوهی مشارکت جویانه را مبتنی بر فلسفه رئالیسم انتقادی می داند (دانایی فرد ۱۳۹۲)؛ بنابراین، ضروری است به این سؤال بنیادی پرداخته شود که «آیا از یک روش شناسی رشد یافته در بستر رئالیسم انتقادی می توان در یک رویکرد اسلامی بهره برد؟» قطعاً در بخش هایی که این دو رویکرد به تعارض های هستی شناختی و معرفت شناختی برسند، نمی توان از آن استفاده کرد (حسنی و موسوی ۱۴۰۰، ۱۰۱). به عنوان مثال سه اصل اساسی در رئالیسم انتقادی یعنی «تفسیر پدیده های اجتماعی در چهارچوب معنایی محقق»، «تولید علم به عنوان یک عمل اجتماعی» و «تأثیر شرایط و روابط اجتماعی در محتوای علم» به صورت ناشایستی تعمیم یافته اند زیرا این اصول محتوای درونی

معرفت را به ابعاد اجتماعی زیست و زندگی انسان و خصوصاً به حوزه زبان - که محصولی قراردادی و وضعی است - تقلیل می دهد. اگرچه این تقلیل ارتباط معرفت با ابعاد عاطفی و گرایش های اجتماعی انسان تثبیت می کند و علم را از جنبه پوزیتیویسم خارج می کند و ظرفیت انتقادی را برای آن به ارمغان می آورد، ولی اعتبار نخستین اصل اساسی و درحقیقت هویت اصلی رئالیسم انتقادی یعنی «وجود جهان مستقل از معرفت» را از بین می برد (پارسانیا ۱۳۸۷، ۲۰). مایه غفلت رئالیسم انتقادی از وجود، غفلت جنبه حکایتگری، کاشفیت و درنتیجه صدق و کذب گزاره ها شده است که همگی خطا هستند (همان ۱۳۸۷، ۲۲).

البته لازم به ذکر است که نفی اطلاق و شمول دو اصل یاد شده رئالیسم انتقادی («تولید علم به عنوان یک عمل اجتماعی» و «تأثیر شرایط و روابط اجتماعی در محتوای علم») به معنای نفی مطلق ارتباط عمل اجتماعی با تولید علم و تأثیر شرایط و روابط اجتماعی روی محتوای معرفت بشری نیست چراکه اولاً ورود معرفت علمی از مقام نفس الامر به افق ذهن و معرفت دانشمند و از آن طریق ورود به عرصه فرهنگ، بدون عمل اجتماعی و فرهنگی ممکن نیست و ثانیاً ورود حقایق علمی به عرصه ذهنی افراد مجرد از عوامل و زمینه های اجتماعی نیست ولی تأثیر این عوامل در حد علل اعدادی است. شرایط و روابط اجتماعی با ایجاد برخی زمینه های تربیتی، نیازها و فرصت های اجتماعی، زاویه خاصی را در ذهن افراد برای دریافت حقایق علمی از مبادی آسمانی معرفت یا در جهت تصرفات و اعتبارات عملی نسبت به آن مفاهیم فراهم می آورد ولی صحت و سقم یک معرفت از زاویه گرایش، عواطف یا منافع فردی و جمعی افرادی که به آن روی می آورند رقم نمی خورد (همان ۱۳۸۷، ۲۰).

بنابراین اصل ارتباط عمل اجتماعی با تولید علم در رویکرد اسلامی نیز پذیرفته شده است ولی اطلاق و شمول آن و احاله کل معرفت به عمل اجتماعی و نفی صدق و کذب از معرفت علمی قابل پذیرش نیست. رئالیسم انتقادی به رغم برخی ناسازگاری های درونی و

اصول مخدوشی که دارد، نظر دقیقی به مشکلات علم مدرن دارد و تبیین ارتباط علم مدرن و دانش تجربی با دیگر لایه‌های معرفتی و همچنین بازگرداندن قدرت نقادی به علم ضمن حفظ هویت تبیین معرفت علمی از جمله اهداف موردتقدیر در رئالیسم انتقادی است (همان ۱۳۸۷، ۲۳). بدین ترتیب استفاده از روش‌شناسی دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه و اقدام‌پژوهی باید با اذعان به این امر باشد که ورود و مشارکت در میدان عمل اجتماعی به معنای تقلیل محتوای درونی معرفت علمی به یافته‌های میدان عمل اجتماعی نیست. لذا جنس ورود و مشارکت در میدان پژوهش اجتماعی، از جنس ورود حکمت عملی در صناعات انسانی و در ارتباط با حکمت نظری و سایر منابع معرفتی است.

در مقابل رئالیسم انتقادی و در نقد برخی مبانی آن، رویکرد رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی به عنوان یک رویکرد اسلامی رشد یافته است (برای آشنایی بیشتر رجوع کنید به پارسانیا ۱۳۸۷). در این رویکرد نیز عقل نظری و عقل عملی در کنار حس، خیال، وهم و شهود به عنوان منابع معرفتی معرفی شده‌اند. رئالیسم صدرایی با دفاع از جایگاه عقل عملی، رویکرد انتقادی را به گونه‌ای به حوزه علوم انسانی باز می‌گرداند که از آسیب‌های مکتب انتقادی نیز مصون بماند. در این نگاه، عقل عملی با حفظ هویت معرفتی خود به تناسب اهدافی که با کمک عقل نظری بر صحت و سقم آن‌ها داوری می‌کند، مفاهیم و معانی انسانی را ابداع می‌کند. این بخش از ابداعات - که علامه طباطبایی با عنوان اعتبارات اجتماعی از آن‌ها یاد می‌کند - الگوی آرمانی رفتار و زیست انسانی را ترسیم می‌کنند (همان ۱۳۸۷، ۲۶). لذا ابداعات انسانی از کارهای عقل عملی است که با کمک عقل نظری انجام می‌دهد. در جریان دانش‌پژوهی و اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه نیز حداقل در دو بخش، جریان ابداع و ابتکار عمل نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد که بدون وجود آن، دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه کأن لم یکن خواهد بود و در سطور فوق، بیان آن گذشت.

بنابراین به‌طور خلاصه، روش‌شناسی دانش‌پژوهی و روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه با ملاحظات کلی که ذکر شد، می‌تواند رویکردی را به ارمغان بیاورد که پژوهشگر بتواند بر مبنای دانش حکمت عملی و قوه مرویه، به تولید علوم اجتماعی بومی بپردازد. البته دانش حکمت عملی علاوه بر آنچه در دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه وجود دارد، ظرفیت‌های دیگری هم دارد که در اینجا مدنظر نیست و می‌توان گفت که یکی از وجوه آن به‌مثابه علوم انسانی و اجتماعی موردتوجه قرار گرفته است. بدین ترتیب، دانش هستی‌های ارادی در مقام چگونگی انجام پژوهش‌های دانشگاهی می‌تواند با حفظ مبانی از ظرفیت‌های روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه بهره‌مند شود.

بحث و نتیجه‌گیری

انتظارات از علوم انسانی و اجتماعی برای حل مسائل اجتماعی در ایران روزبه‌روز در حال افزایش است. اما طراحی ساختار، ایجاد عوامل انگیزاننده و استفاده از همه ابزارهای جهت‌دهی پژوهش به‌سمت حل مسائل صرفاً بخشی از کار است ولی کافی نیست بلکه در کنار همه این امور باید توجه ویژه‌ای به چیستی هویت پژوهش، پژوهشگری و مؤسسه پژوهشی و نوع ارتباط صاحبان مسئله بیرونی با پژوهشگران در حوزه-رشته‌های علوم اجتماعی و چگونگی تحقق آن شود.

پژوهش اصیل در علوم اجتماعی ذاتاً هویتی نظری-عملی دارد که عدم توجه به یکی از آن دو، نافعیت و دقت‌مندی پژوهش را خدشه‌دار خواهد کرد. در این نگاه، پژوهشگر به‌مثابه مصلح اجتماعی دیده می‌شود که در سطوح مختلف جامعه، زندگی علمی خود را پیش می‌برد. او در یک گوشه مشغول تجزیه و تحلیل جامعه نیست بلکه با حضور در میدان و کنشگری فعال مایه رشد و ترقی جامعه خواهد بود. مؤسسه پژوهشی یا دانشگاه نیز در این

نگاه به دانشگاه مصلح تبدیل خواهد شد. دانشگاهی که هیچ مرزی بین خود و جامعه نمی‌بیند و جلودار تحولات مهم و بنیادین جامعه است.

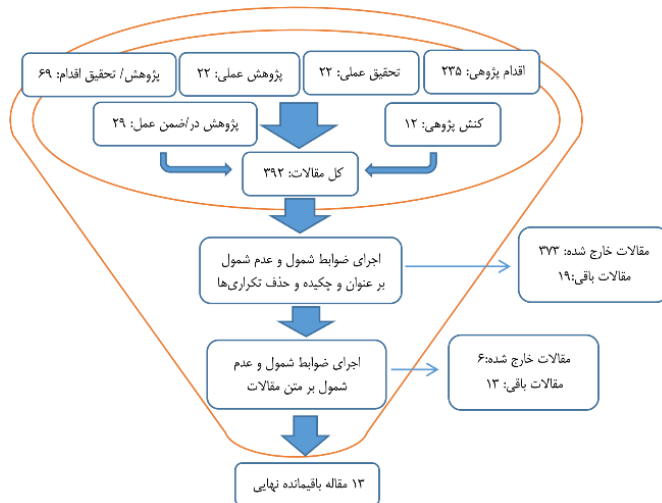
نقطه آغازین پژوهشگر به عنوان مصلح اجتماعی، یک مسئله اجتماعی در سطوح مختلف جامعه (اعم از یک گروه دو نفره تا سازمان‌های بزرگ جامعه یا حرکت‌های اجتماعی و ...) است. او با درک مسئله اجتماعی، دائماً بین آن مسئله و یافته‌های نظری حاصل از انباشت دانش بشری رفت و برگشت می‌کند. گاهی در مسئله غرق می‌شود و یافته‌های نظری خود را در تحلیل و حل آن مسئله محک می‌زند و گاهی هم در مقام یک دانشجو قرار می‌گیرد و در پی دانش‌هایی می‌گردد که بتواند به وسیله آن‌ها مسئله مدنظرش را حل کند. در عین حال هم مسئله اجتماعی حل می‌شود و هم نظریه پردازی اجتماعی شکل می‌گیرد یعنی نظریه پردازی در عین جامعه پردازی. این رفت و برگشت و چرخه اصلاح می‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد.

آن‌چنان‌که مشهور است، معارف اسلامی دارای برخی اصول ثابت و متغیر است یا شریعت اسلامی برخی اعمال مسلمانان در زندگی روزمره را تفصیل نداده و صرفاً به ارائه کلیات بسنده کرده است. این اصول متغیر و جزئیات اعمال مبتنی بر مقتضیات زمان و مکان طراحی و اجرا شوند که معمولاً در فقه اسلامی از آن به عنوان اجتهاد یاد می‌شود. با این نگاه برای استنتاج از کلیات اسلامی برای مسئله‌ای در یک زمان و مکان خاص، فرد ناچار از این است که مختصات و اطراف مسئله را به خوبی بشناسد و این کار مستلزم چرخه عمل کردن جزئی - رجوع به کلیات است (آن‌چنان‌که در کارکردهای قوه مرویّه در انسان طرح شد).

دانش‌پژوهی مشارکت‌جویانه و به طور خاص اقدام‌پژوهی در حقیقت نوعی رفت و برگشت نظر - عمل را به ارمغان می‌آورد که حوزه - رشته‌های علوم اجتماعی در دنیا از آن بهره می‌برند. مخصوصاً ظرفیت این روش برای انجام رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی

که قدری جنبه آموزشی هم دارند، بسیار بالا است. با در نظر گرفتن ملاحظات که در باب هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی وجود دارد این شیوه پژوهش را می‌توان تنقیح مناط و بازتعریف کرده و برای تولید علوم اجتماعی بومی درپیش گرفت. به این صورت که پژوهشگر به عنوان مصلح اجتماعی از یک مسئله اجتماعی مسیر خود را آغاز می‌کند و با سؤالاتی که از آن مسئله به دست می‌آورد سراغ معارف اسلامی و تجربه بشری می‌رود و پاسخ اولیه‌ای برای آن مسئله طراحی می‌کند و سپس دوباره به میدان مسئله می‌رود و پاسخ را محک می‌زند و دوباره با انبانی از سؤالات جدید برخاسته از مسئله سراغ معارف می‌رود و به استنتاج می‌کشد. چرخه‌هایی که حاصل از نیروی رویه‌گر در انسان است. خروجی این فرآیند، حل مسئله بیرونی و درعین حال بسط و استنتاج معارف خواهد بود و این یعنی نظریه‌پردازی همراه جامعه‌پردازی.

برای تدقیق بیشتر در خصوص روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه، ادبیات داخلی مرور نظام‌مند شده است. مرور اولیه ادبیات اقدام‌پژوهی از برخی کتاب‌های روش‌شناسی پژوهش (مثل محمدپور ۱۳۸۹) و پایگاه‌های اطلاعاتی نشان داد که از سال ۱۳۷۰ تاکنون کتب مقاله‌های مختلفی با واژگان متفاوتی در این زمینه منتشر شده‌اند لذا از بین آن‌ها واژه‌های «اقدام‌پژوهی»، «کنش‌پژوهی»، «تحقیق عملی»، «پژوهش عملی»، «پژوهش/تحقیق اقدام» و «پژوهش در/ضمن عمل» برای جست‌وجو انتخاب شدند. این واژگان در عنوان و چکیده مقالات علمی موجود در پایگاه اطلاعاتی noormags.ir مورد جست‌وجو قرار گرفت. تعداد مقالات موجود در جست‌وجوی اولیه به تفکیک واژه‌ها در شکل شماره ۷ آمده است. پس از مرحله اولیه جست‌وجو، ضوابط شمول و عدم شمول در عنوان و چکیده و سپس کل متن مقالات اجرا شدند. در مرحله دوم نیز مبتنی بر سطح، جنس و تمرکز روش‌شناختی علوم اجتماعی آن‌ها، ۶ مقاله حذف شدند. در نهایت ۱۳ مقاله باقی ماند که مورد مرور کامل قرار گرفتند.



شکل (۶): مراحل غربال ادبیات داخلی اقدام پژوهی

مقالات منتخب نهایی را می‌توان براساس موضوع محوری آن‌ها در سه حوزه اصلی «مبانی فلسفی اقدام پژوهی»، «اقدام پژوهی به عنوان روشی در علوم اجتماعی» و «ظرفیت روش‌شناسی اقدام پژوهی در حوزه خاص» در قالب جدول زیر دسته‌بندی کرد. بازه زمانی انتشار این مقالات از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۹۹ است.

جدول (۳): مقالات مرور شده اقدام پژوهی

موضوع محوری	استناد مقاله
مبانی فلسفی اقدام پژوهی	احمدی، علی؛ کشاورز، سوسن (۱۳۹۵)، حاجی اسمعیلی، سمیه (۱۳۹۹)، رهبری، لادن (۱۳۹۱)، زندوانیان، احمد؛ عیسوی، محسن؛ جعفری احمدآبادی، حسن (۱۳۹۰)
اقدام پژوهی به مثابه روشی در علوم انسانی و اجتماعی	اسلامی تنها، اصغر؛ کرم‌اللهی، نعمت‌الله (۱۳۹۴)، ایمان، محمدتقی؛ گروسی، سعیده (۱۳۸۵)، بازرگان، زهرا (۱۳۷۱)، عابدی، احمد؛

موضوع محوری	استناد مقاله
	شواخی، علیرضا؛ جعفری‌هرندی، بتول (۱۳۸۶)، پویا، علی‌رضا؛ اخروی، امیرحسین (۱۳۸۸)، مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۹)
ظرفیت روش‌شناسی اقدام‌پژوهی در حوزه خاص	بازرگان، عباس (۱۳۷۲)، علی‌پور، فرهاد؛ ذاکری، محمد (۱۳۹۹)، نمازی، محمد؛ موسوی‌نژاد، سیدروح‌اله (۱۳۹۵)

وجه نوآوری پژوهش حاضر نسبت به مقالات مذکور را می‌توان در چند بخش دانست. اولاً نقطه آغاز و ورود به بحث اقدام‌پژوهی در مقاله حاضر به‌طورکلی متفاوت از سایر مقالات است. بخش‌های ابتدایی مقاله حاضر در حقیقت بیانیه مسئله آن هستند که مبتنی بر نگاه‌های اسلامی در پیوند نظر و عمل بنیان‌گذاری شده‌اند و درحقیقت نوعی بازتعریف شیوه اقدام‌پژوهی بر مبنای جدیدی شکل گرفته و ظرفیت آن برای پژوهش‌های مبتنی بر هستی‌ارادی تبیین شده است. ثانیاً پژوهش حاضر بر شیوه اقدام‌پژوهی در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی تمرکز دارد. ثالثاً هدف اصلی از طرح اقدام‌پژوهی در پژوهش حاضر، ارائه مسیری جهت استنتاج معارف اسلامی در عمل و به تعبیر دیگر احیای آن در مقام عمل و تجویز است که هیچ‌کدام از مقالات مذکور چنین دغدغه‌ای را نپروانده‌اند. اگرچه ممکن است پارادایم انتقادی متضمن چنین نگاهی باشد ولی به‌طور مستقیم هیچ‌کدام به این امر تمرکز نکرده‌اند.

بنابراین روش اقدام‌پژوهی مشارکت‌جویانه مخصوصاً در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری ظرفیتی به ارمغان آورده است که می‌تواند پژوهش‌های مبتنی بر هستی‌های ارادی را قدری پیش برده و در مقام روش‌شناسی دانشگاهی، ظرفیت بخش مغفولی از فلسفه اسلام یعنی دانش حکمت عملی را در مجامع علمی احیا کند.

کتابنامه

۱. احمدی، علی و سوسن کشاورز. ۱۳۹۵. «تحلیل تطبیقی بنیادهای معرفت‌شناختی اقدام‌پژوهی از منظر فلسفه انتقادی و تفسیری». **تأملات فلسفی**. ۱۶(۶).
۲. احمدی‌زاده، محمد و علی امینیان. ۱۴۰۲. «کنش اختیاری و مبادی صدور آن در نظریه عمل علامه طباطبایی». **روش‌شناسی علوم انسانی**. ۱۱۵(۲).
۳. اسلامی‌تها، اصغر و نعمت‌الله کرم‌اللهی. ۱۳۹۴. «روش تحقیق اقدام‌پژوهی در علوم اجتماعی». **عیار پژوهش در علوم انسانی**. ۱۲(۶).
۴. ایمان، محمدتقی و سعیده گروسی. ۱۳۸۵. «تحقیق اقدامی مشارکتی (تسهیلگر تحولات مشارکت‌جو)». **روش‌شناسی علوم انسانی**. ۱۲(۴۷).
۵. بازرگان، زهرا. ۱۳۷۱. «پژوهش ضمن عمل، روشی کارآ برای تحقیق در علوم انسانی». **روان‌شناسی و علوم تربیتی**. ۵۰(۱۵).
۶. بازرگان، عباس. ۱۳۷۲. «اقدام‌پژوهی و کاربرد آن در تعلیم و تربیت». **تعلیم و تربیت**. ۳۵-۳۶(۹).
۷. بلیکی، نورمن. ۱۴۰۰. **طراحی پژوهش‌های اجتماعی**. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
۸. بوذری‌نژاد، یحیی. ۱۳۹۹. **روش‌شناسی حکمت عملی**. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۹. پارسانیا، حمید. ۱۳۸۶. **هفت موج اصلاحات: نسبت‌تئوری و عمل**. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۰. پارسانیا، حمید. ۱۳۸۷. «رنالیسم انتقادی حکمت‌صدرایی». **فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی**. ۴۲(۱۱): ۹۳-۳۰.
۱۱. پویا، علی‌رضا و امیرحسین اخروی. ۱۳۸۸. «راهبرد کیفی پژوهش عملی مفهوم، پارادایم، نوع‌شناسی و مباحث تکمیلی». **مطالعات کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات**. ۸۰(۲۰).
۱۲. حاجی‌اسمعیلی، سمیه. ۱۳۹۹. «مبانی فلسفی اقدام‌پژوهی فمینیستی». **عیار پژوهش در علوم انسانی**. ۱۷(۹).

۱۳. حسنی، سیدحمیدرضا و سیدهادی موسوی. ۱۴۰۰. **نظریه، نیازسنجی و علوم انسانی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. حسنی، سیدحمیدرضا و هادی موسوی. ۱۳۹۸. **جایگاه‌شناسی حکمت عملی: در جست‌وجوی علوم انسانی**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۹۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان». ۱۳۹۱/۰۷/۱۲.
۱۶. خمینی، سیدروح‌الله. ۱۳۹۲ [۱۳۶۳]. **تقریرات فلسفه**. ج ۳. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۷. دانایی‌فرد، حسن. ۱۳۹۷. «مناقشه بر سر کاربردی‌نبودن دانش دانشگاهی: به‌سوی نظریه ساخت اجتماعی بهره‌برداری از دانش». **سیاست علم و فناوری**. ۱۱(۱): ۳۹-۵۳.
۱۸. دانایی‌فرد، حسن. ۱۳۹۲. **روش‌شناسی نظریه‌پردازی بر مبنای پژوهش مشارکت‌جویانه در علوم اجتماعی**. تهران: صفار.
۱۹. داوری اردکانی، رضا. ۱۳۸۰. **تمدن و تفکر غربی**. تهران: ساقی.
۲۰. رهبری، لادن. ۱۳۹۱. «انسان‌شناسی به‌مثابه علم رهایی‌بخش؛ پیوند نظریه و عمل در پژوهش عملی مشارکتی». **پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران**. ۴ (۲).
۲۱. زندوانیان، احمد؛ محسن عیسوی و حسن جعفری‌احمدآبادی. ۱۳۹۰. «مطالعه بنیادهای فلسفی روش تحقیق اقدام‌پژوهی-معلم پژوهنده». **عیار پژوهش در علوم انسانی**. ۵ (۳).
۲۲. سوزنچی کاشانی، ابراهیم. ۱۴۰۰. **زندگی علمی درهم تنیدگی با جامعه و تنوری‌پردازی در علوم اجتماعی**. تهران: رسا.
۲۳. شه‌گلی، احمد. ۱۳۹۸. «مبادی عمل از دیدگاه فارابی و ملاصدرا». **آموزه‌های فلسفه اسلامی**. ۲۴ (۲).

۲۴. طباطبایی، سیدجواد. ۱۳۹۶. **زوال اندیشه سیاسی در ایران**. تهران: مینوی خرد.
۲۵. عابدی، احمد؛ علیرضا شواخی و بتول جعفری‌هرندی. ۱۳۸۶. «روش‌شناسی اقدام‌پژوهی و کاربرد آن در پژوهش‌های علوم رفتاری». **روش‌شناسی علوم انسانی**. ۵۱ (۱۳).
۲۶. علی‌پور، فرهاد و محمد ذاکری. ۱۳۹۹. «اقدام‌پژوهی در سازمان‌ها الگویی برای بهبود، تغییر و یادگیری». **تحول اداری**. ۶۱ (۱۳).
۲۷. علوی، عطیه‌سادات؛ سعید بهشتی و شیرین رشیدی. ۱۴۰۰. «تربیت مدنی و مبانی عقلی آن در اندیشه فارابی». **عقل و دین**. ۲۵ (۲).
۲۸. فارابی، ابونصر محمدبن محمد. ۱۳۶۱. **اندیشه‌های اهل مدینه فاضله**. ترجمه سیدجعفر سجادی. تهران: کتابخانه طهوری.
۲۹. فارابی، ابونصر محمدبن محمد. ۱۳۶۴. **احصاء العلوم**. ترجمه حسین خدیو جم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. تاریخ اصلی کتاب: ۳۳۹ ق.
۳۰. فارابی، ابونصر محمدبن محمد. ۱۳۸۲. **فصول منترعه**. ترجمه حسن ملک‌شاهی. تهران: سروش.
۳۱. قاضی‌نوری، سیدسپهر. ۱۴۰۰. «مرجعیت علمی چه نیست؟ سخنرانی در نشست مجازی مرجعیت علمی: از مفهوم تا تحقق». مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۳۲. قانع‌راد، سیدمحمدامین. ۱۳۹۵. «مصاحبه چگونگی کاربردی‌سازی علوم انسانی و اجتماعی». مصاحبه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۳۳. محسنیان‌راد، مهدی. ۱۳۹۳. **در حسرت فهم درست: روایت ۴۲ سال پژوهش ارتباطی در ایران**. تهران: سیمای شرق.
۳۴. محسنیان‌راد، مهدی. ۱۳۹۸. «روند پژوهش ارتباطی در ایران». سخنرانی، قابل دسترسی در دو آدرس: <https://b2n.ir/h96780>, <https://b2n.ir/z11423>.
۳۵. محمدپور، احمد. ۱۳۸۹. **ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی**. تهران: جامعه‌شناسان.

۳۶. مکولی، جان؛ ژوانی دبرلی و فیل جانسون. ۱۳۸۹. نظریه سازمان: نگاه‌ها و چالش‌ها. ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۳۷. منصوری، رضا. ۱۳۹۱. «مفهوم علم نوین، علم سنتی و موانع توسعه در ایران»، سخنرانی در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قابل دسترسی در آدرس:

<https://www.olgou.ir/index.php/fa/dr-mansouri>.

۳۸. موسوی، هادی و سیدحمیدرضا حسنی. ۱۴۰۰ الف. **هستی ارادی: هستی‌های اجتماعی**. ج ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳۹. موسوی، هادی و سیدحمیدرضا حسنی. ۱۴۰۰ ب. **هستی ارادی: دانش هستی‌های ارادی**. ج ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۴۰. مهدوی کنی، محمدرضا. ۱۳۹۳. **تطورات فکری گذشته، رویکرد آینده در بیان و بنان مؤسس دانشگاه امام صادق (ع)**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۴۱. مهرمحمدی، محمود. ۱۳۷۹. «اقدام‌پژوهی: رویکردی مؤثر در حرکت نظام‌های پژوهشی انسانی-اجتماعی به سوی تعادل». **مدرس علوم انسانی**. ۱۴ (۴).

۴۲. نمازی، محمد و سیدروح‌اله موسوی‌نژاد. ۱۳۹۵. «بررسی کاربرد پژوهش‌های اقدامی در حسابداری». **مطالعات حسابداری و حسابرسی**. ۱۹ (۵).

۴۳. نوری، محمدعلی. ۱۴۰۰. «اندیشه فارابی درباره ماهیت و کارکرد عقل نظری و عقل عملی». **دوفصلنامه علمی هستی و شناخت**. ۱۵ (۱).

۴۴. نوری، محمدعلی. ۱۴۰۱. «جایگاه حکمت عملی در طبقه‌بندی دانش‌ها از دیدگاه فارابی». **دوفصلنامه علمی هستی و شناخت**. ۱۷ (۱).

45. Alvesson, Mats; Sköldberg, Kaj. 2012. **Reflexive methodology**. New vistas for qualitative research. Repr. 2. ed. Los Angeles, Calif.: SAGE.

46. Bradbury, Hilary (Ed.) 2015. **The SAGE handbook of action research**. Third edition. Los Angeles: SAGE Reference. Available online at <https://sk.sagepub.com/reference/the-sage-handbook-of-action-research-third-edition>.

47. Chen, Xiaohong; Deng, Tianhu; Shen, Zuo-Jun Max; Yu, Yi .2023. "Mind the gap between research and practice in operations management." **IISE Transactions**, 55(1), 32–42.
48. Coghlan, D, & Brannick T. 2005. **Doing action research in your own organization**. Sage publications inc.
49. Coghlan, D. & Brydon-Miller, M. 2014. **The SAGE encyclopedia of action research** (Vols. 1-2). London,: SAGE Publications Ltd.
50. Greenwood, D. J. & Levin, M. 2007. **Introduction to action research social research for social change**. MTM.
51. Herr, Kathryn. 2015. **The action research dissertation. a guide for students and faculty**. 2nd ed.
52. Mayntz, R. & Schimank, U. 1998. "Linking theory and practice: Introduction". **Research policy**, 27(8): 747-755.
53. McKay, J. and Marshall, P. 2001. "The dual imperatives of action research", **Information Technology & People**, 14(1): 46-59.
54. Perry, C. & Zuber-Skerritt, O. 1994. "Doctorates by Action Research for Senior Practising Managers". **Management Learning**, 25(2): 341–364.
55. Van de Ven, A. H. Johnson, P. 2006. 'Knowledge for Science and Practice,' **Academy of Management Review**, 31(4): 802-21.
56. Whitaker, Emilie Morwenna; Atkinson, Paul. 2021. **Reflexivity in Social Research**. 1st ed. 2021. Cham: Springer International Publishing; Palgrave Macmillan.
57. Yvonna S. Lincoln and Egon G. Guba. 2005. Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences in book: **Handbook Of Qualitative Research**.
58. Zuber-Skerritt, O. Fletcher, M. Kearney, J. 2015. **Professional Learning in Higher Education and Communities. Towards a New Vision for Action Research**. 2015th ed. London: Palgrave Macmillan. Available online at <http://www.springer.com/>.
59. Zuber-Skerritt, Ortrun (Ed.) 2003. **New directions in action research**. Digital

print. London: RoutledgeFalmer. Available online at <https://ebookcentral.proquest.com/lib/kxp/detail.action?docID=181332>.

60. Zuber-Skerritt, Ortrun; Fletcher, Margaret. 2007. "The quality of an action research thesis in the social sciences." **In Quality Assurance in Education**. 15 (4), pp. 413–436. DOI: 10.1108/09684880710829983.
61. Zuber-Skerritt, Ortrun; Perry, Chad. 2002. Action research within organisations and university thesis writing. In **The Learning Organization**. 9 (4), pp. 171–179. DOI: 10.1108/09696470210428895. Henry, Nicholas (2018): Public administration and public affairs. Thirteenth edition. New York, NY, Abingdon, Oxon: Routledge.